

چکیده

این پژوهش با اتخاذ روش‌شناسی ترکیبی (کیفی - کمی) به واکاوی روابط ساختاری میان نهادهای حکمرانی و کنش‌های اجتماعی پرداخته است. در مرحله کیفی، تحلیل تماتیک مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۵ خبره (شامل شهروندان و مدیران) به استخراج ۱۰ مضمون محوری شامل: مشارکت شهروندی، شفافیت حکمروایی، عدالت فضایی، توسعه زیرساختی، آموزش شهروندی، اعتمادسازی نهادی، فناوری‌های شهری، شایسته‌سالاری، حکمروایی محلی و انسجام فرهنگی انجامید. در مرحله کمی، داده‌های پرسشنامه‌ای از ۳۸۴ شهروند با آزمون‌های آماری (فریدمن، رگرسیون، همبستگی پیرسون، آنوا و تی تک‌نمونه‌ای) تحلیل شد. یافته‌ها نشان‌دهنده تقابل پارادایمی میان حکمرانی متمرکز و الگوی مشارکتی چندذی‌نفعی است، که در آن شفافیت، عدالت فضایی و هویت مذهبی به عنوان محورهای دیالکتیکی برجسته شدند. آزمون فریدمن شکاف میان وضعیت موجود (مشارکت: ۶/۶۴؛ رضایتمندی: ۷/۰۵) و مطلوب (عدالت: ۲۰/۳۱؛ ارتباط شهروندی: ۲۰/۰۷) را آشکار ساخت. تحلیل رگرسیون نیز اثر معنادار بهینه‌سازی فرایندهای مشارکتی، مدیریت تعارض‌ها و هم‌افزایی فناوریانه را تأیید کرد. همبستگی قوی میان شفافیت، سرمایه اجتماعی و فرایندهای مشارکتی نقش واسطه‌ای این عوامل را نشان داد. این پژوهش چارچوب مفهومی حکمروایی شهری ارتباط‌گرا را پیشنهاد می‌دهد که بر شفافیت رادیکال، عدالت فضایی چندمقیاسی و کنشگری هویت‌مند استوار است. این الگو، با تلفیق نظریه کنش ارتباطی هابرماس و انگاره‌های عدالت فضایی، راهبردهایی نظیر تقویت شوراهای محلی، پلتفرم‌های دیجیتال شفاف و آموزش توانمندساز را ارائه می‌دهد. نتایج نه‌تنها به ادبیات حکمروایی در شهرهای مذهبی غنا می‌بخشد، بلکه الگویی عملی برای مشارکت پایدار فراهم می‌کند.

کلمات کلیدی

* نویسنده مسئول: a.saghafi@hotmail.com

حکمروایی شهری
سرمایه اجتماعی
شهر قم
عدالت فضایی
مشارکت شهروندی



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Rahimi R. Saghafi Asl A. Haqlesan M. Faramarzi Asli M. Explaining the role and position of urban governance in achieving the optimal model of citizen participation: the case of qom. *Urban Economics and Planning* 7(1):16-34. [In Persian]

DOI: [10.22034/uep.2025.540511.1699](https://doi.org/10.22034/uep.2025.540511.1699)

تبیین نقش و جایگاه حکمروایی شهری در تحقق الگوی بهینه مشارکت شهروندان: مطالعه موردی شهر قم

۱. مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی طی دهه‌های اخیر، شهرها را به زیست‌بوم‌های پیچیده و چندلایه اجتماعی - سیاسی بدل ساخته است (Tonne et al., 2021; Faramarzi Asl & Zeynali Azim, 2018; Grandin, Haarstad, Kjærås, & Bouzarovski, 2018). در ایران، سهم جمعیت شهری از حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۵ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است (Statistical Center of Iran, 2025) که این روند، فشار فزاینده‌ای بر ساختارهای نهادی و مدیریتی شهرها وارد کرده و ضرورت بازاندیشی در الگوهای اداره شهر را پررنگ ساخته است. مدل‌های سنتی حکمرانی از بالا به پایین با بحران مشروعیت و کارآمدی مواجه‌اند و قادر به پاسخ‌گویی به انتظارات روبه‌افزایش شهروندان در حوزه‌هایی همچون عدالت فضایی، کیفیت خدمات شهری و شفافیت تصمیم‌گیری نیستند (Ribeiro-Duthie, Gale, & Murphy-Gregory, 2021; Pierre, 2011; Fernández-Martínez, García-Espín, & Jiménez-Sánchez, 2011; Flinders & Dommett, 2013). این انتظارات که در قالب مطالبه دسترسی برابر به خدمات، حق مشارکت در سیاست‌گذاری و نظارت بر تصمیمات عمومی بروز می‌کند، در صورت بی‌پاسخ ماندن به تعمیق نابرابری‌های فضایی و کاهش اعتماد اجتماعی منجر خواهد شد.

مفهوم حکمروایی شهری (Urban Governance) پاسخی به همین چالش‌هاست و از نظر مفهومی با حکمرانی (Government) تفاوت بنیادین دارد. حکمرانی، اداره جامعه توسط دولت و نهادهای رسمی با ساختاری متمرکز و سلسله‌مراتبی است؛ در حالی که حکمروایی، به‌مثابه چارچوبی تعاملی و چندسطحی، بر مشارکت ذی‌نفعان متعدد شامل شهروندان جامعه مدنی، بخش خصوصی و نهادهای عمومی برای اداره مشترک امور شهر تأکید دارد (Dean, 2018). این انتقال پارادایم از دولت‌سالاری به حکمروایی شبکه‌ای، به معنای بازتوزیع قدرت و تصمیم‌گیری از مرکز به سطوح محلی و مردمی است و در ادبیات نظری، با چارچوب‌های حکمرانی تعاملی و شبکه‌های سیاست‌گذاری توضیح داده می‌شود (Kooiman, 1999; Sørensen & Torfing, 2005).

در سطح بین‌المللی، شاخص UGI (Urban Governance Index) برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ابزاری معتبر برای ارزیابی کیفیت حکمروایی شهری است. این شاخص چهار بُعد کلیدی را شامل می‌شود: کارآمدی (توانایی تحقق اهداف و استفاده بهینه از منابع)، پاسخ‌گویی (مسئولیت‌پذیری نهادها در برابر شهروندان)، عدالت (توزیع منصفانه، خدمات و فرصت‌ها) و مشارکت (درگیر کردن شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری) (Beyene, Adam, & Minale, 2023). پژوهش حاضر این چهار بُعد را به عنوان چارچوب تحلیلی خود برگزیده و در ادامه، مقاله به طور نظام‌مند به سنجش آن‌ها می‌پردازد.

مشارکت شهروندان از ارکان بنیادین حکمروایی شهری به شمار می‌رود (Cortés-Cediel et al., 2021) و عملیاتی‌سازی آن مستلزم طراحی سازوکارهایی همچون شوراهای محلی، نظرسنجی‌های دوره‌ای، بودجه‌بندی مشارکتی و کارگاه‌های هم‌آفرینی است که امکان بازتاب صدای شهروندان در تصمیمات عمومی را فراهم می‌سازند (Nabatchi & Amsler, 2014; Michels & De Graaf, 2010). با این حال، تحقق مشارکت فعال در بسترهای اجتماعی -

مذهبی خاص، با چالش‌هایی از قبیل سلطه، ساختارهای متمرکز، ضعف زیرساخت‌های گفت‌وگو و حساسیت‌های فرهنگی روبه‌روست (Treija, Bratuškins, & Koroļova, 2022; Li, Zhu, & Owen, 2023). شهرهای مذهبی به‌ویژه آن‌هایی که نقش کانون‌های معنوی را ایفا می‌کنند با موقعیت‌های خاصی در حوزه حکمروایی مواجه‌اند. شهر قم به عنوان یکی از قطب‌های علمی - مذهبی جهان تشیع و مقصد میلیون‌ها زائر سالانه، نمونه بارز چنین زیست‌بومی است که در آن مشارکت شهروندان هم نیازمند سازوکارهای مدرن حکمروایی است و هم باید با هنجارهای فرهنگی - معنوی همخوانی داشته باشد. برای برجسته‌سازی ویژگی‌های این بستر، مطالعه حاضر با رویکرد تطبیقی، یافته‌های شهر قم را با تجربه مشهد مقایسه می‌کند تا اعتبار نتایج تقویت شود.

در این پژوهش، با اتخاذ یک چارچوب روش‌شناختی ترکیبی اکتشافی - توضیحی مبتنی بر پارادایم عمل‌نگر تلاش شد پیوند میان کیفیت حکمروایی و سطح مشارکت شهروندی به طور عمیق بررسی شود. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ذی‌نفعان (مدیران شهری، شهروندان، نمایندگان شوراها) گردآوری شد و پس از تحلیل مضمون، پرسش‌نامه‌ای ساختاریافته طراحی و میان نمونه‌ای ۲۸۴ نفری توزیع شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS26 و روش‌های آماری شامل تحلیل عاملی اکتشافی و رگرسیون چندگانه انجام گرفت تا سهم هر یک از ابعاد حکمروایی (کارآمدی، پاسخ‌گویی، عدالت و مشارکت) در شکل‌گیری الگوی بهینه مشارکت شهروندان در شهر قم مشخص شود.

این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش اساسی است: کدام ابعاد حکمروایی شهری در شهر قم بیشترین اثر را بر تحقق مشارکت شهروندان دارند و چگونه می‌توان چارچوبی بومی‌شده برای ارتقای مشارکت در شهرهای مذهبی طراحی کرد؟ یافته‌های این پژوهش با ارائه مدلی مفهومی از تعامل حکمروایی و مشارکت، مبنایی علمی برای سیاست‌گذاری‌های نوین شهری فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد حکمروایی اثربخش فقط متکی بر راه‌حل‌های تکنوکراتیک نیست بلکه در بهره‌گیری خلاقانه از ظرفیت‌های فرهنگی - معنوی و تقویت عاملیت شهروندان ریشه دارد.

نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار نظریه کنش ارتباطی هابرماس با مفهوم عدالت فضایی در یک چارچوب تحلیلی تلفیق شده و به این ترتیب زمینه‌ای میان‌رشته‌ای برای تحلیل حکمروایی شهری فراهم آمده است. تمرکز بر شهر قم به عنوان شهری مذهبی - زیارتی نیز امکان بومی‌سازی و سنجش عملی الگوهای مشارکتی را در بستری فرهنگی - دینی مهیا ساخته است؛ امری که در پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر شهرهای سکولار یا کلان‌شهرهای عمومی متمرکز بوده‌اند، کمتر دیده می‌شود. افزون بر این، به کارگیری روش ترکیبی متوالی (اکتشافی - توضیحی) موجب شد تا ابعاد مفهومی ابتدا از رهگذر تحلیل کیفی استخراج و سپس در قالب داده‌های کمی اعتبارسنجی شوند؛ ترکیبی که هم غنای نظری پژوهش را افزایش می‌دهد و هم اعتبار یافته‌ها را تقویت می‌کند. به این ترتیب، این پژوهش هم از منظر نظری و هم از منظر کاربردی سهم مشخص و متمایزی در گسترش دانش حکمروایی مشارکتی در ایران ایفا می‌کند.

۲. مبانی نظری

۱.۲ حکمروایی شهری: مفاهیم، ابعاد و نقش در مشارکت شهروندی

حکمروایی شهری به مثابه مفهومی چندلایه و پویا، از دهه ۱۹۹۰ به یکی از محورهای اصلی گفتمان علوم اجتماعی و شهری تبدیل شد و در تعامل با تحولات نظری در علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و مدیریت عمومی توسعه یافت (Epstein, 2015). واژه حکمروایی از ریشه لاتین «گوبرناره» (gubernare) به معنای «راندن» و «هدایت کردن» مشتق شده است (Fairuzyah, Arkaan, Marfariza, 2024; Suhendar, & Khoirunnisa, 2024). اما در ادبیات معاصر، دیگر به معنای صرف اداره از بالا به پایین نیست، بلکه به عنوان سازوکاری برای هدایت، هماهنگی و توزیع قدرت در میان طیف متنوعی از بازیگران و نهادها در نظر گرفته می شود (Effendi, Lestari, 2025; Zuliansyah, & Linuwih, 2025). این تحول در معنا، پاسخی به پیچیدگی روزافزون مسائل شهری، ظهور بازیگران جدید (بخش خصوصی، جامعه مدنی، سازمان های مردم نهاد، و شهروندان) و گذار از دولت سالاری به الگوی شبکه ای چندذی نفعی است.

بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، حکمروایی شهری شامل شیوه ها، فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن ها امور مشترک شهر برنامه ریزی، اداره و نظارت می شوند و نقش همه بخش ها - اعم از دولتی و خصوصی - را در اداره شهر برجسته می سازد (Heydarzadeh et al, 2023). این مفهوم دربرگیرنده مجموعه ای از الزامات است از جمله مقابله با فقر و نابرابری، تأمین پایدار منابع حیاتی نظیر آب و غذا، سازگاری با تغییرات اقلیمی و ارتقای رفاه عمومی (Tonkiss, 2020; Fuseini, 2021). از این رو، حکمروایی شهری را می توان یک الگوی نوین اداره شهر دانست که با رویکرد تعاملی

و شبکه ای، به جای کنترل صرف، بر توانمندسازی و مشارکت ذی نفعان تأکید دارد (Maleki et al, 2019).

در تقابل با مدل های سنتی حکومت مندی متمرکز، حکمروایی شهری بر شبکه های چندسطحی و چندذی نفعی کنشگران استوار است که شامل دولت محلی، نهادهای عمومی، سازمان های مدنی، بخش خصوصی و خود شهروندان می شود (Dean, 2018; Tasan-Kok, 2021). این چارچوب مفهومی همچون چتری جامع، طیف وسیعی از پدیده ها نظیر شبکه های سیاست گذاری، نوآوری در مدیریت عمومی، هماهنگی بین بخشی در اقتصاد شهری و اشکال متنوع مشارکت عمومی - خصوصی را دربرمی گیرد (Zeynaly et al, 2025).

مشارکت شهروندان به عنوان بنیان حکمروایی

مشارکت شهروندان شاخص محوری کیفیت حکمروایی است و به افزایش مشروعیت نهادهای عمومی، تعمیق دموکراسی و ارتقای کارآمدی سیاست های شهری کمک می کند (Hajdarowicz, 2022; Lemanski, 2017). این مشارکت زمانی اثرگذار است که از سطح مشاوره فراتر می رود و در فرایندهای واقعی تصمیم سازی و اجرا ادغام شود (Edelenbos & Van Meerkerk, 2016). تحقق چنین مشارکتی نیازمند تعامل سازنده میان مدیریت شهری، جامعه مدنی و شهروندان منفرد است (Healey et al., 2017).

- ساختار سه لایه حکمروایی برای مشارکت مؤثر

برای نهادینه سازی مشارکت شهروندی، ساختاری چندلایه مورد نیاز است که شامل لایه های راهبردی، اجرایی و مداخله شهروندان است (Jäntti et al., 2023).

جدول ۱. لایه های حکمروایی شهری و الزامات مشارکت

لایه	الزامات کلیدی	نمونه منابع
راهبردی	تدوین چشم انداز مشارکت، حل تعارضات، تعریف دقیق مسائل و هماهنگی اهداف متعارض ذی نفعان	Kooiman, 1999; Ayres, 2019; Klijn, 2011
اجرایی	طراحی سازمانی تعاملی، تصمیمات جمعی درباره عمق مشارکت، تأمین منابع مالی و انسانی، آموزش کارکنان، پیوند فرایند مشارکت با تصمیم گیری رسمی	Edelenbos & Klijn, 2006; Michels & Binnema, 2019
مداخله شهروندان	شوراها و انجمن های محلی، بودجه بندی مشارکتی، کارگاه های گفت و گو، نظرسنجی های عمومی	Nabatchi & Amsler, 2014; Sørensen, 2013

موانع و چالش های تحقق مشارکت

تحلیل ادبیات نشان می دهد موانع مشارکت را می توان در سه دسته ساختاری - نهادی (مانند نابرابری قدرت، ضعف سازمان یافتگی جامعه محلی، کمبود منابع مالی)، اجرایی - فرایندی (مقاومت نهادهای رسمی، نقص قوانین، کمبود مهارت های همکاری و محدودیت زمان شهروندان) و زمینه ای - فرهنگی (ابهام مفهومی مشارکت، سلطه ساختارهای متمرکز، کمبود تعامل با تجارب جهانی) طبقه بندی کرد (Gera, 2016; Jäntti & Kurkela, 2021).

شناسایی موانع به روش ترکیبی انجام شد: ابتدا مرور نظام مند متون علمی صورت گرفت و سپس یافته ها با تحلیل مضمون مصاحبه های عمیق با مدیران شهری و شهروندان قم تلفیق شد. این فرایند سه مرحله داشت: (۱) استخراج معیارهای نظری تکرار شونده، (۲) اعتبارسنجی و اولویت بندی معیارها در مصاحبه ها، (۳) تدوین فهرست نهایی معیارها برای طراحی پرسشنامه مرحله کمی.

جدول ۲. معیارهای نهایی اثرگذار بر مشارکت شهروندی (تلفیق مرور نظری و داده‌های میدانی)

معیار اثرگذار	توضیح	منبع
کاهش تعارض منافع میان ذی‌نفعان	تأکید ذی‌نفعان بر لزوم سازوکار حل تعارض	Pahl-Wostl, 2019؛ میرباقری و عبدی، ۱۴۰۱
برنامه‌های هوشمند برای مشارکت و گزارش‌دهی	پیشنهاد مدیران شهری قم برای افزایش شفافیت	Bastos et al., 2022
بودجه‌بندی مشارکتی و مشارکت مستقیم شهروندان	در مصاحبه‌ها به عنوان نیاز کلیدی مطرح شد	Dubicki, 2021; Yuanhui, 2018
شفافیت و پاسخ‌گویی نهادی	در پرسشنامه به عنوان متغیر اصلی سنجش لحاظ شد	De & Bandyopadhyay, 2020
اعتمادسازی و تقویت جامعه مدنی	از نتایج کدگذاری داده‌های کیفی	Golchini, 2019
بومی‌سازی تجارب جهانی و عدالت اجتماعی	به عنوان راهکار سیاستی در تحلیل مضمون ثبت شد	Faridi Thani et al, 2024

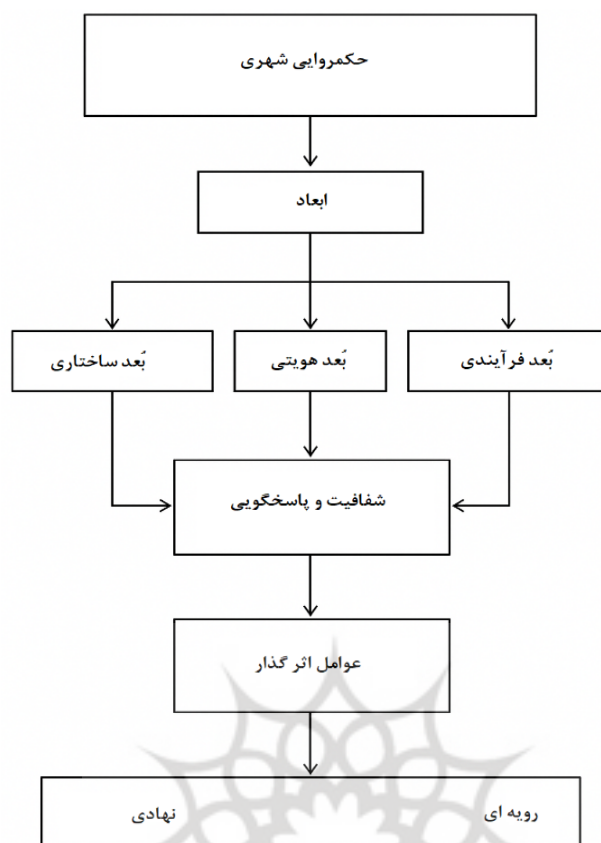
این رویکرد اطمینان می‌دهد که معیارها هم از نظر علمی معتبر هستند و هم بازتاب‌دهنده شرایط واقعی قم هستند.

۲.۲. لگوهای بین‌المللی و مقایسه با قم

بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد بسیاری از شهرها توانسته‌اند با طراحی سازوکارهای مشارکتی نوآورانه، مشارکت شهروندان را به صورت پایدار تقویت کنند. در بارسلونا، پلتفرم دیجیتال Decidim با ایجاد بستر شفاف و تعاملی، نرخ مشارکت شهروندان را تا حدود ۴۰ درصد افزایش داده و امکان پیگیری عمومی تصمیمات را فراهم ساخته است (Calzada & Almirall, 2019). پورتو آگره در برزیل با اجرای بودجه‌بندی مشارکتی، شفافیت مالی، عدالت فضایی و پاسخ‌گویی مدیریت شهری را به سطحی بی‌سابقه ارتقا داده است (Wampler, 2012). همچنین در سئول، پروژه Open Seoul دسترسی آزاد به داده‌های شهری و امکان نظارت مردمی بر تصمیمات کلان را نهادینه کرده و اعتماد عمومی را بهبود بخشیده است (Kim & Lee, 2020). مقایسه این نمونه‌ها با قم نشان می‌دهد از منظر ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی، زمینه‌هایی برای اقتباس چنین سازوکارهایی وجود دارد، اما ویژگی مذهبی و جایگاه دینی قم موجب می‌شود الگوی تطبیق فقط «انتقال فناوری» نباشد. نخست، حساسیت‌های شرعی ایجاب می‌کند که هر پلتفرم دیجیتال مشارکتی مشابه Decidim علاوه بر معیارهای شفافیت و امنیت، سازوکارهای مشروعیت‌بخشی دینی را نیز لحاظ کند؛ برای نمونه، فرایند رأی‌گیری یا بودجه‌بندی مشارکتی باید توسط مراجع دینی به عنوان فرایندی منطبق با ارزش‌های اسلامی تأیید شود تا اعتماد عمومی جلب شود. دوم، ساختار قدرت در قم که متکی بر نهادهای حوزوی و مذهبی است، می‌تواند نقش دوگانه ایفا کند: از یک سو پشتیبانی این نهادها می‌تواند به تسهیل و مشروعیت‌بخشی مشارکت کمک کند، و از سوی دیگر احتمال مقاومت در برابر ابزارهای فناورانه جدید را افزایش می‌دهد. سوم، تجربه موفق سئول در باز کردن داده‌های شهری نشان می‌دهد شفافیت می‌تواند اعتماد شهروندان را تقویت کند، اما در قم این امر نیازمند چارچوب‌های حقوقی و فقهی دقیق برای تعیین حدود انتشار اطلاعات است.

با وجود این دستاوردها، باید توجه داشت که شرایط اجتماعی، نهادی و مذهبی قم تفاوت‌های بنیادینی با این شهرها دارد و همین مسئله انتقال مستقیم این تجربیات را با محدودیت روبه‌رو می‌سازد. نخست، سطح سواد دیجیتال و زیرساخت‌های فناورانه در قم هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که بتواند بسترهایی مشابه Decidim یا

Open Seoul را بدون موانع پیاده‌سازی کند. دوم، مشارکت عمومی در قم متأثر از ساختارهای سنتی اعتماد و مرجعیت دینی است و بدون جلب حمایت نهادهای حوزوی، چنین سازوکارهایی ممکن است مشروعیت اجتماعی پیدا نکنند. سوم، فرهنگ سیاسی و حقوقی ایران تفاوت جدی با نظام‌های محلی دموکراتیک در برزیل و اسپانیا دارد، و این امر می‌تواند میزان شفافیت مالی و دسترسی آزاد به داده‌ها را محدود کند. بنابراین، هرگونه الگوبرداری باید با تعدیل انتقادی و انطباق نهادی - فرهنگی همراه باشد تا به جای تقلید صرف، به طراحی مدلی بومی منجر شود که ظرفیت‌های مذهبی و اجتماعی قم را به عنوان مزیت و نه مانع در نظر گیرد. از منظر نظری، حکمروایی شهری بستر نهادی مشارکت شهروندی است و بدون مشارکت فعال، کارآمدی خود را از دست می‌دهد. یافته‌های این پژوهش که بر ترکیب مرور نظام‌مند متون و داده‌های میدانی استوار است، معیارهایی را استخراج کرده که مبنای مدل مفهومی و طراحی پرسشنامه تحقیق قرار گرفته‌اند تا رابطه میان ابعاد حکمروایی و سطح مشارکت شهروندان در قم به طور دقیق سنجیده شود. این معیارها علاوه بر بهره‌گیری از تجارب جهانی، به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که قابلیت انطباق با زمینه فرهنگی - مذهبی قم را داشته باشند؛ به بیان دیگر، مدل پیشنهادی فقط انتقال یک «الگوی بین‌المللی» نیست، بلکه تلاشی است برای بومی‌سازی رویکردهای مشارکتی دیجیتال در شهری با نقش مذهبی و مرجعیتی ویژه. با وجود مزایای گسترده حکمروایی مشارکتی، نقدهای نظری متعددی نیز در ادبیات مطرح شده است که باید مورد توجه قرار گیرد. برخی پژوهشگران بر این باورند که مشارکت می‌تواند به جای ارتقای کارآمدی، فرایند تصمیم‌گیری شهری را پیچیده و زمان‌بر کند و در نهایت به ناکارآمدی بینجامد. همچنین خطر «مشارکت سطحی» وجود دارد که در آن شهروندان فقط به طور نمایشی دخالت داده می‌شوند، بدون آنکه خروجی واقعی در سیاست‌گذاری داشته باشند. از سوی دیگر، سلطه نخبگان و گروه‌های ذی‌نفوذ می‌تواند سازوکارهای مشارکتی را به ابزاری برای بازتولید قدرت و منافع خاص تبدیل کند. در حوزه مشارکت دیجیتال نیز شکاف فناورانه و نابرابری دسترسی ممکن است اقشار کم‌درآمد و کم‌سواد را از فرایند مشارکت کنار بگذارد. بنابراین، هرگونه طراحی و بومی‌سازی الگوی مشارکتی در قم باید این نقدها را مد نظر قرار دهد تا از گرفتار شدن در چرخه‌های ناکارآمدی یا بازتولید نابرابری پرهیز شود.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۳. مواد و روش کار

این پژوهش با هدف تبیین نقش حکمروایی شهری در تحقق الگوی مطلوب مشارکت شهروندان در شهر قم انجام شد و از طرح پژوهش ترکیبی متوالی (اکتشافی - توضیحی) در چارچوب پارادایم عمل‌نگر بهره گرفت. این رویکرد امکان مطالعه هم‌زمان تجارب ذهنی ذی‌نفعان و سنجش روابط کمی میان ابعاد حکمروایی و مشارکت را فراهم کرد.

۱.۳. مراحل پژوهش

مرحله کیفی: در گام نخست، مرور نظام‌مند ادبیات نظری انجام و ابعاد کلیدی حکمروایی و مشارکت شناسایی شد. سپس ۲۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ذی‌نفعان اصلی شامل شهروندان فعال، اعضای شورای شهر، مدیران محلی و کارشناسان برنامه‌ریزی شهری انجام شد. انتخاب این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف‌پذیری در کشف ابعاد پنهان و امکان پرسش‌های پیگیری برای روشن شدن چالش‌ها و پیشنهادها مشارکت شهروندی صورت گرفت. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با حداکثر تنوع جمعیتی (سن، جنسیت، شغل، مدت سکونت) انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط، واژه‌به‌واژه پیاده‌سازی و با یادداشت‌های میدانی تکمیل شدند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون انجام شد و نتایج مبنای تدوین چارچوب مفهومی و طراحی پرسشنامه مرحله کمی قرار گرفت. در این مرحله، یکی از مضامین اصلی «زمینه فرهنگی - مذهبی» قم بود که بر پایه

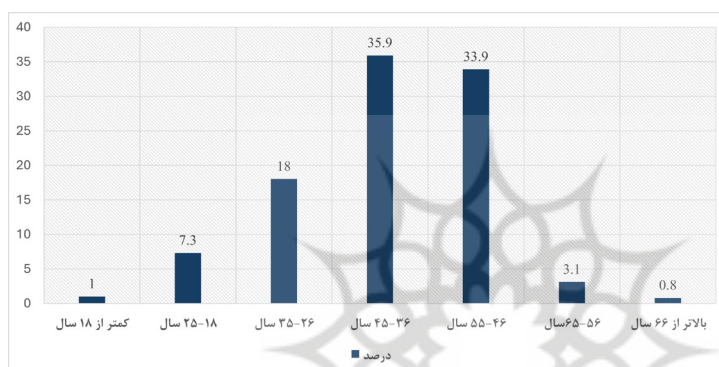
نقش حرم حضرت معصومه^(ع)، اقتصاد زیارتی و هنجارهای دینی در شکل‌دهی به رفتار مشارکتی شهروندان استخراج شد. مرحله کمی: بر اساس یافته‌های کیفی، پرسشنامه‌ای ساختاریافته با ۴۶ گویه در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت طراحی شد. این گویه‌ها چهار بُعد اصلی حکمروایی شهری (کارآمدی، پاسخ‌گویی، عدالت و مشارکت) و نیز بُعد فرهنگی - مذهبی شناسایی شده در مرحله کیفی را پوشش می‌دادند. برای نمونه:

- تصمیمات شورای شهر به صورت شفاف منتشر می‌شود
 - فرصت‌های برابر برای مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری وجود دارد
 - شهروندان می‌توانند پیشنهادها را برای پروژه‌های شهری ارائه کنند
 - نهادهای دینی می‌توانند نقش مؤثری در مشروعیت‌بخشی به فرایندهای مشارکتی داشته باشند
 - وجود اماکن مذهبی مانند حرم حضرت معصومه^(ع) بر نحوه تخصیص منابع شهری اثرگذار است
- روایی محتوایی پرسشنامه با نظر پنج متخصص برنامه‌ریزی شهری تأیید شد و پایایی آن با آلفای کرونباخ (۰/۷۲ تا ۰/۸۸) برای ابعاد مختلف سنجیده شد که نشان‌دهنده انسجام درونی مطلوب است. جامعه آماری شامل جمعیت ۱/۳ میلیون نفری شهر قم بود و بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با توزیع جمعیت در محلات انجام گرفت. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS 26 تحلیل و از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل تحلیل عاملی اکتشافی و

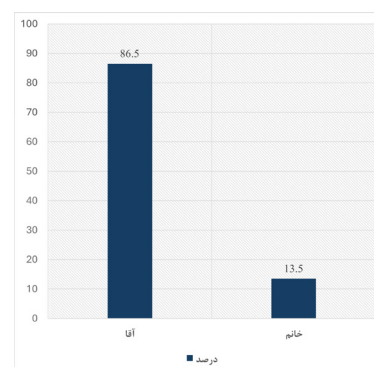
رگرسیون چندگانه برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. تلفیق شدند تا تبیینی عمیق و متناسب با زمینه خاص قم از عوامل مرحله ادغام و تفسیر یافته‌های کیفی و کمی در مرحله نهایی مؤثر بر مشارکت شهروندان ارائه شود.

جدول ۳. دلایل انتخاب روش ترکیبی

دلیل	توضیح کوتاه
سه‌گانه‌سازی داده‌ها	استفاده هم‌زمان از داده‌های کیفی و کمی برای تقویت اعتبار یافته‌ها
تکمیل و تعمیق	بهره‌گیری از مصاحبه برای شناسایی شاخص‌ها و پرسشنامه برای سنجش کمی آن‌ها
تعمیم‌پذیری	استفاده از نمونه آماری برای قابلیت تعمیم نتایج به کل جامعه
تفسیر پشتیبان	استفاده از داده‌های کیفی برای توضیح روابط مشاهده‌شده در داده‌های کمی
رفع ابهام	به‌کارگیری داده جایگزین در صورت ناکافی بودن نتایج یک مرحله



شکل ۳. توزیع جمعیت نمونه بر اساس گروه سنی



شکل ۲. توزیع جمعیت نمونه بر اساس جنسیت

۲.۳. معرفی محدوده مطالعه

قم به عنوان یکی از شهرهای مهم مذهبی ایران و جهان اسلام، نمونه‌ای پارادایماتیک برای مطالعه حکمروایی شهری و مشارکت شهروندی محسوب می‌شود. این کلان‌شهر با جمعیت بیش از ۱/۳ میلیون نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) علاوه بر نقش اداری - سیاسی، قطب فرهنگی و آموزشی کشور است. حضور حرم حضرت معصومه (س) و مسجد جمکران قم را به مقصدی فراملی برای زائران تبدیل کرده و اقتصاد زیارتی و الگوهای فضایی - اجتماعی شهر را شکل داده است. رشد سریع جمعیت، کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و بحران مسکن، ضرورت تحول در مدل‌های حکمروایی شهری و تقویت سازوکارهای مشارکت ساختاریافته را دوچندان کرده است.

۴. بحث و تحلیل یافته‌ها

۱.۴. تحلیل یافته‌های کیفی

تحلیل کیفی پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون (تماتیک) و رویکرد انتقادی - تفسیری انجام شد تا بتواند مضامین پنهان و پیچیدگی‌های ساختاری و فرهنگی مشارکت شهروندان در شهر قم

جدول ۴. کدهای اصلی تحقیق

تم اصلی	زیرتم‌ها (کدهای فرعی)	تحلیل مختصر	نمونه نقل قول
مشارکت و درگیری شهروندان	روش‌های مشارکت	شهروندان به دنبال کانال‌های ملموس برای دخالت در تصمیمات شهری هستند.	انتظار داریم در تصمیم‌گیری‌های محله خود نظر بدهیم
	مشارکت مردمی و انتقاد	ابراز نقد نسبت به تصمیمات شهری نشان‌دهنده تمایل به مشارکت فعال و افزایش پاسخ‌گویی است.	چرا همیشه پروژه‌ها فقط در مناطق توریستی انجام می‌شود؟
	نقش شهروندان	شهروندان به عنوان ذی‌حق و ناظر عمل می‌کنند و تمایل دارند در سطوح مختلف تصمیم‌گیری دخالت داشته باشند.	شهروندان باید در انتخاب پروژه‌ها دخیل باشند
حکمرانی شفاف و پاسخ‌گو	شفافیت در بودجه	شفافیت مالی و اطلاع‌رسانی درباره هزینه‌ها، پیش‌نیاز اعتماد و مشارکت واقعی است.	شفاف‌سازی بابت هزینه بودجه ضروری است
	گزارش‌های مالی	دسترسی آزاد به گزارش‌ها باعث پاسخ‌گویی نهادها و کاهش شکاف اعتماد می‌شود.	اگر می‌دانستیم پول کجا خرج می‌شود، اعتمادمان بیشتر می‌شد
عدالت، برابری و شمول اجتماعی	توجه به مناطق محروم	تخصیص عادلانه منابع شهری برای کاهش تبعیض فضایی و اجتماعی ضروری است.	محله ما همیشه فراموش می‌شود
	کاهش تفاوت‌ها	کاهش نابرابری، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند و مشارکت شهروندان را افزایش می‌دهد.	همه شهروندان باید سهم برابر از امکانات داشته باشند
	توسعه پایدار	برنامه‌ریزی بلندمدت و محیط زیست محور، مشارکت و رضایت شهروندان را افزایش می‌دهد.	فضاهای سبز باید در همه محله‌ها باشد
توسعه شهری و زیرساخت	بازسازی بافت‌های قدیمی	احیای بافت‌ها باید همراه با مشارکت شهروندان و رعایت منافع محلی باشد.	بافت قدیمی نیاز به بازسازی دارد، ولی نباید ساکنان جا به جا شوند
	آموزش حقوق و مسئولیت‌ها	توانمندسازی شهروندان برای مشارکت مؤثر و آگاهی از حقوق خود در فرآیندهای شهری.	باید بدانیم حق داریم در شوراها شرکت کنیم
اعتمادسازی و مدیریت روابط	ایجاد اعتماد	شفافیت و پاسخ‌گویی نهادها کلید تقویت اعتماد میان شهروندان و مدیریت شهری است.	اعتماد وقتی ایجاد می‌شود که حرف ما شنیده شود
یکپارچگی فناوری و نوآوری	استفاده از فناوری برای مشارکت	ابزارهای دیجیتال امکان مشارکت، نظرسنجی و ارتباط فعال شهروندان را تسهیل می‌کند.	یک اپلیکیشن برای پیشنهاد ایده‌ها خیلی مفید است
تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری	استفاده از دانش علمی و فناوری	انتخاب مدیران و کارشناسان بر اساس شایستگی و تخصص، تضمین‌کننده کارآمدی تصمیمات شهری است.	تصمیم‌ها وقتی درست است که متخصصان نظر بدهند

مشارکت و درگیری شهروندان

شهروندان تمایل دارند در تصمیم‌گیری‌های شهری مشارکت ملموس و فعال داشته باشند. تم‌هایی مانند روش‌های مشارکت و مشارکت مردمی و انتقاد نشان دادند که مردم به دنبال کانال‌های عملی و قابل دسترس برای دخالت در تصمیمات محلی هستند و نقد آن‌ها به تصمیمات شهری نشانه تمایل به افزایش پاسخ‌گویی است. برای نمونه، یکی از شهروندان اظهار داشت: «ما انتظار داریم در تصمیم‌گیری‌های محله خود نظر بدهیم.» همچنین، نقش شهروندان به عنوان ذی‌حق و ناظر در تمامی سطوح تصمیم‌گیری اهمیت یافته است: شهروندان باید در انتخاب پروژه‌ها دخیل باشند

حکمرانی شفاف و پاسخ‌گو

مفهوم شفافیت به‌ویژه در بودجه و گزارش‌دهی مالی، به عنوان کلید اعتمادسازی و پاسخ‌گویی نهادها شناسایی شد. شفافیت مالی و اطلاع‌رسانی درباره هزینه‌ها پیش‌نیاز مشارکت واقعی است:

عدالت، برابری و شمول اجتماعی

مشارکت مؤثر با توزیع عادلانه منابع شهری و توجه ویژه به مناطق محروم ارتباط مستقیم دارد. شهروندان بر کاهش تفاوت‌ها و برابری در فرصت‌ها تأکید دارند: همه شهروندان باید سهم برابر از امکانات داشته باشند. توجه به عدالت فضایی و اجتماعی یکی از پیش‌شرط‌های انسجام اجتماعی و مشارکت پایدار است.

توسعه شهری و زیرساخت

تم‌های مرتبط با توسعه پایدار و بازسازی بافت‌های قدیمی نشان دادند شهروندان به برنامه‌ریزی بلندمدت و محیط زیست محور اهمیت می‌دهند و انتظار دارند بازسازی بافت‌های قدیمی با

شفافیت را تسهیل می‌کنند: یک اپلیکیشن برای پیشنهاد ایده‌ها خیلی مفید است.

مشارکت و حفظ منافع ساکنان انجام شود: بافت قدیمی نیاز به بازسازی دارد، ولی نباید ساکنان جابه‌جا شوند.

تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری

استفاده از دانش علمی و انتخاب مدیران و کارشناسان بر اساس شایستگی، به تضمین تصمیمات مؤثر و کارآمد شهری کمک می‌کند: تصمیم‌ها وقتی درست است که متخصصان نظر بدهند. تحلیل نشان می‌دهد تحقق الگوی بهینه حکمروایی شهری در قم نیازمند ترکیبی از: مشارکت فعال شهروندان، شفافیت و پاسخ‌گویی نهادی، عدالت اجتماعی، توسعه پایدار، استفاده از فناوری و تخصص، و احترام به هویت مذهبی و فرهنگی شهر است. یافته‌ها حاکی از پارادوکس مشارکت هستند؛ شهروندان تمایل دارند مشارکت کنند، اما موانع ساختاری، روان‌شناختی و فرهنگی مانع تحقق آن می‌شوند. این تحلیل پایه و مبنای طراحی پرسشنامه مرحله کمی و مدل مفهومی پژوهش شد و ۴۶ گویه پرسشنامه مستقیم از این مضامین استخراج شد، که بازتاب‌دهنده واقعیت بومی قم و ادراکات ذی‌نفعان است.

آموزش، آگاهی و ظرفیت‌سازی

آموزش حقوق و مسئولیت‌ها و توانمندسازی شهروندان، یکی از محورهای برجسته مشارکت است. افزایش خودآگاهی و ظرفیت مشارکت فعال، فراتر از اطلاع‌رسانی ساده اهمیت دارد: باید بدانیم حق داریم در شوراها شرکت کنیم.

اعتمادسازی و مدیریت روابط

ایجاد اعتماد بین نهادهای شهری و شهروندان، نیازمند شفافیت و پاسخ‌گویی مستمر است. اعتماد وقتی ایجاد می‌شود که حرف ما شنیده شود.

یکپارچگی فناوری و نوآوری

ابزارهای دیجیتال مانند اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های آنلاین، امکان مشارکت و ارتباط فعال شهروندان را فراهم می‌کنند و پاسخ‌گویی و

جدول ۵. نمونه ارتباط بین کدهای اصلی جدول ۴ و گویه‌های پرسشنامه کمی

کد اصلی (برگرفته از جدول ۴)	کدهای فرعی منتخب	نمونه نقل‌قول از مصاحبه‌ها	گویه طراحی شده در پرسشنامه کمی
حکمروایی شفاف و پاسخ‌گو	شفافیت در بودجه، گزارش‌های مالی شفاف	اگر می‌دانستیم پول کجا خرج می‌شود، اعتمادمان بیشتر می‌شد	شهرداری قم اطلاعات مالی پروژه‌های شهری را به صورت شفاف و عمومی منتشر می‌کند
عدالت، برابری و شمول اجتماعی	توزیع عادلانه امکانات، توجه به مناطق محروم	محلۀ ما همیشه فراموش می‌شود	خدمات و امکانات شهری در همه محله‌های قم به طور برابر توزیع می‌شود
مشارکت و درگیری شهروندان	شوراهای محله، مشارکت مستقیم در پروژه‌ها	ما انتظار داریم در تصمیم‌گیری‌های محله خود نظر بدهیم	شهروندان قم امکان مشارکت واقعی در تصمیمات شهری را دارند
آموزش، آگاهی و ظرفیت‌سازی	آموزش حقوق شهروندی، افزایش آگاهی	باید بدانیم حق داریم در شوراها شرکت کنیم	برنامه‌های آموزشی مدیریت شهری آگاهی شهروندان درباره حقوق و مسئولیت‌ها را افزایش می‌دهد
اعتمادسازی و مدیریت روابط	ایجاد اعتماد از طریق شفافیت	اعتماد وقتی ایجاد می‌شود که حرف ما شنیده شود	سطح اعتماد شهروندان به نهادهای مدیریت شهری در حال افزایش است.
یکپارچگی فناوری و نوآوری	نظرسنجی‌های الکترونیکی، پلتفرم‌های دیجیتال	یک اپلیکیشن برای پیشنهاد ایده‌ها خیلی مفید است	زیرساخت‌های دیجیتال لازم برای ارائه ایده‌ها و پیشنهادها برای شهروندان در قم فراهم است

همیشه فراموش می‌شود» بازتاب یافته بود، به گویۀ «خدمات و امکانات شهری در همه محله‌های قم به طور برابر توزیع می‌شود» ترجمه شد. مضمون «مشارکت و درگیری شهروندان» که بر شوراهای محلی و امکان اظهار نظر مستقیم تأکید داشت و در عباراتی مانند «ما انتظار داریم در تصمیم‌گیری‌های محله خود نظر بدهیم» ظهور یافت، مبنای طراحی گویه «شهروندان قم امکان مشارکت واقعی در تصمیمات شهری را دارند» قرار گرفت. به همین ترتیب، مضامینی همچون آموزش حقوق شهروندی، اعتمادسازی از طریق شفافیت و بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، که در نقل‌قول‌های مکرری همچون «باید بدانیم حق داریم در شوراها شرکت کنیم»، «اعتماد وقتی ایجاد می‌شود که حرف ما شنیده شود» و «یک اپلیکیشن برای پیشنهاد ایده‌ها خیلی مفید است» انعکاس یافته بودند، به ترتیب به گویه‌های کمی «برنامه‌های آموزشی مدیریت شهری آگاهی شهروندان درباره حقوق و مسئولیت‌ها را افزایش

برای شفاف‌سازی ارتباط میان نتایج کیفی و کمی و مطابق با خواست داور، جدول ۵ به عنوان مکمل جدول ۴ طراحی شد تا نشان دهد مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌های عمیق چگونه به گویه‌های پرسشنامه کمی ترجمه شده‌اند. این جدول، که مستقیم بر مبنای کدهای اصلی جدول ۴ شکل گرفته، مسیر تبدیل داده‌های میدانی به ابزار سنجش کمی را به صورت یکپارچه بازنمایی می‌کند. به عنوان نمونه، مضمون «حکمروایی شفاف و پاسخ‌گو» که شامل کدهای فرعی همچون شفافیت در بودجه و گزارش‌های مالی شفاف بود و در نقل‌قول‌هایی مانند «اگر می‌دانستیم پول کجا خرج می‌شود، اعتمادمان بیشتر می‌شد» تکرار شد، به گویه کمی «شهرداری قم اطلاعات مالی پروژه‌های شهری را به صورت شفاف و عمومی منتشر می‌کند» تبدیل شد. همچنین مضمون «عدالت، برابری و شمول اجتماعی» با کدهایی همچون توجه به مناطق محروم و توزیع عادلانه خدمات که در گفته‌هایی مانند «محلۀ ما

جای اتکای صرف بر نظریه‌های انتزاعی، مستقیم بازتاب‌دهنده تجربه زیسته شهروندان قم و واقعیت‌های حکمروایی شهری باشد و به این ترتیب، پیوند میان یافته‌های کیفی و کمی به صورت روشن و بازتولیدپذیر تثبیت شود.

می‌دهد»، «سطح اعتماد شهروندان به نهادهای مدیریت شهری در حال افزایش است» و «زیرساخت‌های دیجیتال لازم برای ارائه ایده‌ها و پیشنهادها شهروندان در قم فراهم است» تبدیل شدند. این فرایند سه مرحله‌ای شناسایی مضامین کیفی، بازنویسی به زبان سنجشی، و تدوین گویه‌های بسته موجب شد پرسشنامه کمی، به

عدالت توزیعی	عدالت رویه‌ای	عدالت شناختی
• تخصیص نامتوازن پروژه‌ها به نفع مناطق مذهبی یا پرتردد	• تبعیض در مشارکت‌پذیری گروه‌های محروم	• به حاشیه رانده شدن دانش بومی در برنامه‌ریزی شهری

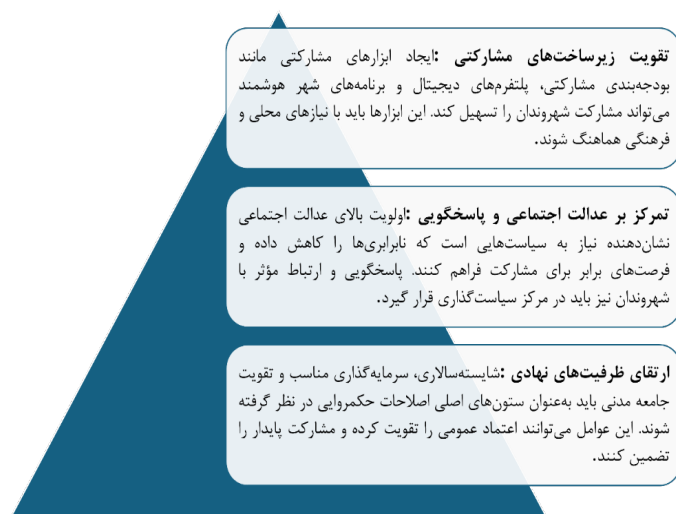
شکل ۴. سطوح عدالت شهری در راستای تحقق مشارکت شهروندی

اعتبارپذیری پژوهش، با توجه به نیمه‌ساختاریافته بودن پرسشنامه، انجام کل مصاحبه‌ها توسط یک مصاحبه‌کننده بوده است که به افزایش اعتبار نتایج کمک می‌کند. همچنین، با توجه به تمرکز پژوهش بر ساختار حکمروایی شهری شهر قم، تلاش شده است که مصاحبه شوندگان آشنایی کامل با ساختار حکمروایی شهری و مشارکت شهروندی در شهر قم داشته باشند.

یافته‌های کیفی پژوهش نشان داد مشارکت شهروندان در قم تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری - نهادی (مانند شفافیت فرایند تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی نهادها)، اجرایی - فرایندی (نظیر دسترسی به اطلاعات، فرصت برابر برای گروه‌های مختلف و بسترهای گفت‌وگو) و زمینه‌ای - فرهنگی (شامل سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و حساسیت‌های مذهبی) قرار دارد. تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به شناسایی ۱۲ مضمون محوری منجر شد که به طور مستقیم در طراحی مدل مفهومی پژوهش استفاده شدند. این مضامین شامل شفافیت نهادی، پاسخ‌گویی، عدالت در توزیع خدمات، کارآمدی تصمیم‌گیری، مشارکت ساختاریافته، آموزش و ارتقای سواد مشارکتی، تقویت شوراهای محلی، استفاده از ابزارهای هوشمند و دیجیتال، اعتمادسازی، بومی‌سازی تجارب جهانی، تخصیص منابع پایدار و ارتقای ظرفیت سازمانی بودند. خروجی این مرحله نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی پرسشنامه مرحله کمی داشت؛ به گونه‌ای که تمامی ۴۶ گویه پرسشنامه از همین مضامین و یافته‌های ادبیات نظری استخراج شدند. این ارتباط تضمین می‌کند که سنجش کمی پژوهش، بازتاب‌دهنده واقعیت بومی قم و ادراکات ذی‌نفعان است و مدل مفهومی پژوهش تنها بر مبنای نظریه‌های انتزاعی شکل نگرفته بلکه ریشه در تجربه زیسته جامعه هدف دارد.

همچنین، مشارکت شهروندی در مصاحبه‌ها عمدتاً به صورت پارادوکسیکال بازنمایی شد: از یک طرف به عنوان حق ذاتی شهروندان در تعیین سرنوشت شهری (مشارکت در طراحی پروژه‌ها)، و از طرف دیگر به عنوان وظیفه اخلاقی مبتنی بر هویت مذهبی (همکاری با نهادهای دینی). کلیدواژه‌های فرعی مانند هویت محلی (تأکید بر معماری اسلامی - ایرانی و نقش مساجد) و موانع ساختاری (رانت اداری، تمرکزگرایی) نیز به عنوان عوامل تعدیل‌کننده رابطه بین حکمروایی و مشارکت عمل می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد تحقق الگوی بهینه مشارکت در قم، مستلزم بازتعریف حکمروایی شهری در چارچوب حکمرانی چندسطحی زمینه‌مند است که شفافیت، عدالت، و هویت را در تعاملی دیالکتیک با یکدیگر قرار می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند شهروندان قم تمایل ذاتی به مشارکت در فرایندهای حکمروایی دارند، اما این تمایل با موانع ساختاری و روان‌شناختی مواجه است. برای مثال، یکی از پاسخ‌ها می‌گوید: شهروندان نه می‌توانند و نه می‌خواهند مشارکت کنند. این تناقض نشان‌دهنده شکاف عمیق میان ظرفیت بالقوه مشارکت و واقعیت عملی آن است. حکمروایی شهری در قم باید با بازسازی سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد فضاهای گفت‌وگوی واقعی و کاهش فاصله میان شهروندان و مدیران، این پارادوکس را حل کند. فقدان مکانیزم‌های مشارکتی ملموس، مانند شوراهای محلی فعال، یکی از ضعف‌های اصلی است. آموزش شهروندان در زمینه حقوق و مسئولیت‌ها از تم‌های برجسته است. پاسخ‌هایی مانند آموزش حقوق و مسئولیت‌های شهروندی بر این نیاز تأکید دارند. آموزش فقط انتقال دانش نیست، بلکه باید به توانمندسازی منجر شود. در قم، برنامه‌های آموزشی باید فراتر از اطلاع‌رسانی، به ارتقای خودآگاهی و کنشگری شهروندان بپردازند. فقدان چنین رویکردی، مشارکت را به سطحی نمادین تقلیل می‌دهد. جهت سنجش

۲.۴. تحلیل یافته‌های کمی



شکل ۵. حوزه‌های کلیدی نیازمند تحولات در راستای تحقق پذیری مشارکت شهروندان در شهر قم



شکل ۶۷. الزامات تحقق پذیری مشارکت شهروندی مبتنی بر یافته‌های آزمون همبستگی پیرسون

۳.۴. یافته‌های کمی

جدول ۶. ترکیب جمعیت‌شناختی نمونه

ویژگی	گروه	تعداد	آمار توصیفی پاسخ‌گویان درصد
جنسیت	زن	۱۸۵	۴۸/۲
	مرد	۱۹۹	۵۱/۸
سن	۱۸-۲۹ سال	۸۷	۲۲/۶
	۳۰-۳۹ سال	۱۰۲	۲۶/۶
	۴۰-۴۹ سال	۹۸	۲۵/۵
	۵۰ سال و بیشتر	۹۷	۲۵/۳
	دیپلم و کمتر	۷۶	۱۹/۸
تحصیلات	کاردانی و کارشناسی	۱۶۵	۰/۴۳
	کارشناسی ارشد	۱۰۳	۲۶/۸
	دکتری	۴۰	۱۰/۴
سابقه سکونت	کمتر از ۵ سال	۶۵	۱۶/۹
	۵-۱۰ سال	۹۲	۲۳/۹
	۱۱-۲۰ سال	۱۰۸	۲۸/۱
	بیش از ۲۰ سال	۱۱۹	۳۱/۰

درصد بالای ۱۰ سال) کیفیت «تجربه زیسته» پاسخ‌گویان را افزایش می‌دهد؛ بنابراین توصیه‌های آنان برای بهبود حکمروایی می‌تواند پایدارتر و واقعی‌تر باشد. برای عدالت مشارکتی، لازم است ابزارهای متنوع (حضوری/دیجیتال) متناسب گروه‌های سنی و سواد رسانه‌ای متفاوت فراهم شود تا مشارکت همگانی‌تر شود. درنهایت این ترکیب، پایه‌ای معتبر برای تحلیل‌های بعدی مدل فراهم می‌کند.

– آمار توصیفی سازه‌های اصلی

ترکیب جمعیت‌شناختی نمونه متوازن و نماینده طیف اصلی جمعیت قم است. توازن جنسیتی (تقریباً برابر) قابلیت تعمیم یافته‌ها به هر دو جنس را تقویت می‌کند. پوشش سنی چهارگانه نشان می‌دهد نگرش‌های مشارکتی نسل جوان تا سالمند در تحلیل لحاظ شده و این برای سیاست‌گذاری مشارکتی قوت است. غلبه تحصیلات دانشگاهی (بیش از ۸۰ درصد) به معنای ظرفیت بالقوه بالای مشارکت آگاهانه است و لزوم طراحی سازوکارهای مشارکت دانش‌بنیان را گوشزد می‌کند. سابقه سکونت طولانی (بیش از ۵۹

جدول ۷. شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

سازه	میانگین	انحراف معیار
شفافیت	۳،۸۹	۰،۷۲
پاسخ‌گویی	۳،۷۵	۰،۶۸
عدالت فضایی	۳،۶۸	۰،۷۴
کارآمدی	۳،۸۱	۰،۷۰
مشارکت شهروندان	۳،۹۳	۰،۷۶

حساسیت‌های مکانی (محلات مرکزی/حاشیه) دامن بزند و باید با بودجه‌بندی مشارکتی و نقشه‌محور کاهش یابد. نزدیکی میانگین کارآمدی و شفافیت نشان می‌دهد شهروندان عملکرد اجرایی را نسبتاً مثبت می‌بینند، اما الزاماً آن را «عادلانه فضایی» تجربه نمی‌کنند. این الگو مبنای فرضیه اثرگذاری مستقیم ابعاد حکمروایی بر مشارکت را تقویت می‌کند.

– پیش‌نیازهای سنجش

همه میانگین‌ها بالاتر از حد میانه لیکرت (۳) هستند و این یعنی ارزیابی پاسخ‌گویان از وضعیت حکمروایی و مشارکت «نسبتاً مطلوب» است. بالاتر بودن میانگین مشارکت (۳/۹۳) نشان می‌دهد میل به مشارکت وجود دارد، اما برای شکوفایی به «محیط نهادی مناسب» نیاز دارد. فاصله شفافیت (۳/۸۹) با عدالت فضایی (۳/۶۸) بیانگر شکاف ادراک‌شده بین «آگاهی از تصمیمات» و «توزیع منصفانه منافع» است؛ این شکاف در شهرهای مذهبی می‌تواند به

جدول ۸. شاخص کیفیت نمونه‌گیری KMO و آزمون بارتلت

شاخص	مقدار	معنی‌داری
KMO	۰،۸۷	—
بارتلت (کای‌دو)	۱۲۳۴،۶	<۰،۰۰۱

شهرسازی، اتکای ابزار سنجش به ساختار نهفته پایدار، اطمینان می‌دهد که ابعاد حکمروایی در بافت قم به‌صورت منسجم و قابل اتکا اندازه‌گیری شده‌اند و هر سیاست پیشنهادی بر داده تکیه دارد.

– مدل اندازه‌گیری (پایایی و روایی همگرا)

کیفیت نمونه‌گیری در جدول ۷ برابر ۰/۸۷ است که در سطح «خیلی خوب» است و بیان می‌کند که ماتریس همبستگی برای استخراج ساختار عاملی مناسب است. آزمون بارتلت برابر ۱۲۳۴/۶ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ است؛ بنابراین متغیرها همبستگی کافی برای تحلیل عاملی دارند. این نتایج، مشروعیت ادامه مسیر به سمت مدل اندازه‌گیری و سپس مدل ساختاری را فراهم می‌سازد. از منظر

جدول ۹. مدل اندازه‌گیری

سازه	تعداد گویه	دامنه بارهای عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	AVE
شفافیت	۱۰	۰،۷۲–۰،۸۹	۰،۸۱	۰،۸۷	۰،۵۹
پاسخ‌گویی	۸	۰،۷۰–۰،۸۵	۰،۷۹	۰،۸۶	۰،۵۷
عدالت فضایی	۹	۰،۷۵–۰،۹۱	۰،۸۳	۰،۸۹	۰،۶۰
کارآمدی	۱۰	۰،۷۳–۰،۸۸	۰،۸۲	۰،۸۸	۰،۵۸
مشارکت شهروندان	۹	۰،۷۶–۰،۹۰	۰،۸۴	۰،۹۰	۰،۶۱

یعنی هر بُعد (شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت فضایی، کارآمدی، مشارکت) با سنججهایی معتبر قابل پیگیری و پایش دوره‌ای است و می‌توان شاخص‌های عملکردی (KPI) شهر را بر همین مبنا طراحی کرد.

– **روایی واگرا (فورنل-لارکر)**

همه آلفاها و CRها بالاتر از ۰/۷ هستند؛ بنابراین پایایی درونی سازه‌ها تأیید می‌شود. و همگرایی بالاتر از ۰/۵ برای همه سازه‌ها نشان‌دهنده روایی همگرایی مناسب است؛ یعنی گویندها به خوبی واریانس سازه خود را توضیح می‌دهند. دامنه بارها (حداقل‌های بالاتر از ۰/۷) نشان می‌دهد گویندهای ضعیف کنار گذاشته شده و «هسته شاخص» حفظ شده است. برای سیاست‌گذار شهری، این

جدول ۱۰. ماتریس فورنل-لارکر

سازه	شفافیت	پاسخ‌گویی	عدالت فضایی	کارآمدی	مشارکت
شفافیت	۰.۷۷				
پاسخ‌گویی	۰.۶۴	۰.۷۵			
عدالت فضایی	۰.۵۹	۰.۶۱	۰.۷۸		
کارآمدی	۰.۶۶	۰.۵۸	۰.۶۳	۰.۷۶	
مشارکت	۰.۶۹	۰.۶۳	۰.۶۵	۰.۶۷	۰.۷۹

سیاست‌های «انتشار اطلاعات» لزوماً به «پاسخ‌گویی نهادی» یا «توزیع منصفانه خدمات» ختم نمی‌شود؛ پس برنامه‌های اصلاحی باید برای هر بُعد، اقدام متفاوت و مکمل طراحی کنند.

– **روایی واگرا (HTMT)**

در همه موارد، مقدار قطر اصلی ریشه دوم همگرایی بزرگ‌تر از همبستگی بین سازه‌ای است؛ این یعنی هر سازه از سایر سازه‌ها متمایز است و «هم‌پوشانی مفهومی» ندارد. بنابراین از نظر شهرسازانه، تمایز شفافیت از پاسخ‌گویی (و از عدالت فضایی) به این معناست که

جدول ۱۱. معیار واگرایی با (HTMT)

زوج سازه‌ها	HTMT
شفافیت - پاسخ‌گویی	۰.۷۹
شفافیت - عدالت فضایی	۰.۷۲
شفافیت - کارآمدی	۰.۷۶
پاسخ‌گویی - عدالت فضایی	۰.۷۴
پاسخ‌گویی - کارآمدی	۰.۶۹
عدالت فضایی - کارآمدی	۰.۷۳
هر سازه - مشارکت	۰.۷۱ تا ۰.۸۰

شهر باید هر دو را هم‌زمان و با ابزارهای خاص خود (سامانه‌های شفافیت، منشور پاسخ‌گویی و سازوکارهای شکایت/پیگیری) دنبال کند.

– **هم‌خطی درون‌مدل (VIF)**

کلیه مقادیر واگرایی سازه‌ها با آزمون (HTMT) کمتر از ۰/۸۵ است؛ بنابراین روایی واگرا با معیار سخت‌گیرانه‌تر نیز برقرار است. از دید عملی، این نتیجه تأیید می‌کند که «شفافیت» و «پاسخ‌گویی» با وجود ارتباط، دو محور سیاستی مستقل‌اند؛ در نتیجه برنامه اقدام

جدول ۱۲. اندازه‌گیری هم‌خطی درون‌مدل برای سازه‌های برون‌زا (وابسته: مشارکت)

سازه	VIF
شفافیت	۱.۸۹
پاسخ‌گویی	۱.۷۴
عدالت فضایی	۱.۶۸
کارآمدی	۱.۵۶

سیاستی «سبب اقدامات مجزا» برای هر بُعد تعریف کرد بدون آنکه نتایج به دلیل هم‌پوشانی شدید سیاست‌ها مخدوش شود.

– برازش و پیش‌بینی R^2 , Q^2

هم‌خطی درون سازه‌ها باید کمتر از ۵ باشند با توجه به جدول ۱۱ نشان می‌دهد هم‌خطی مشکل‌ساز بین سازه‌های برون‌زا وجود ندارد؛ بنابراین ضرایب مسیر قابل اعتمادند و تفسیر اثرات جداگانه هر بُعد معتبر است. برای شهر قم، این یعنی می‌توان به صورت

جدول ۱۳. برازش و پیش‌بینی مدل

متغیر وابسته	R^2	R^2 تعدیل شده	Q^2
مشارکت شهروندان	۰٫۶۲	۰٫۶۱	۰٫۳۹

این معناست که بهبود چهار بُعد حکمروایی می‌تواند سهم قابل توجهی از تغییرات مشارکت را توضیح دهد و ابزار مناسبی برای پایش سیاستی فراهم آورد.

– اندازه اثر (f^2)

مقدار برازش R^2 برابر ۰٫۶۲ مدل را برای تبیین مشارکت قوی نشان می‌دهد و R^2 تعدیل شده تفاوت معناداری با R^2 ندارد؛ یعنی مدل برازش خوب بوده است و متغیرهای اضافی ندارد. Q^2 برابر ۰٫۳۹ نیز بیانگر قدرت پیش‌بینی مناسب مدل است. برای مدیریت شهری؛ به

جدول ۱۴. f^2 برای اثر هر سازه بر مشارکت

مسیر	f^2
شفافیت → مشارکت	۰٫۱۸
پاسخ‌گویی → مشارکت	۰٫۱۲
عدالت فضایی → مشارکت	۰٫۱۰
کارآمدی → مشارکت	۰٫۰۷

صورت‌جلسات شورا، داشبوردهای بودجه‌ای) متمرکز باشد و به موازات آن، پاسخ‌گویی، عدالت فضایی و کارآمدی با بسته‌های اقدام مکمل تقویت شوند.

– مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها

تفسیر: بر اساس آستانه‌های رایج (۰٫۰۲) کوچک، ۰٫۱۵ متوسط، ۰٫۳۵ بزرگ)، «شفافیت» اثر نزدیک به نمره متوسط دارد و سایر ابعاد اثر کوچک تا نزدیک به متوسط دارند. بنابراین، اولویت سیاستی باید بر ارتقای شفافیت (انتشار به‌موقع اطلاعات پروژه‌ها،

جدول ۱۵. نتایج مسیرها و آزمون فرضیه‌ها

مسیر	ضریب مسیر (β)	مقدار t	سطح معنی‌داری	نتیجه
شفافیت → مشارکت	۰٫۳۴	۷٫۲۵	<۰٫۰۰۱	تأیید
پاسخ‌گویی → مشارکت	۰٫۲۸	۶٫۸۰	<۰٫۰۰۱	تأیید
عدالت فضایی → مشارکت	۰٫۲۴	۵٫۹۰	<۰٫۰۰۱	تأیید
کارآمدی → مشارکت	۰٫۱۹	۴٫۷۰	<۰٫۰۰۱	تأیید

باید به صورت هم‌زمان اجرا شود. «عدالت فضایی» اثر مهمی دارد و تأکید می‌کند که بدون توزیع منصفانه، خدمات و فرصت‌ها، انگیزه مشارکت در محلات کم‌برخوردار تضعیف می‌شود. «کارآمدی» نیز هرچند اثر کوچک‌تری دارد، اما برای پایداری مشارکت و جلوگیری از فرسودگی اعتماد عمومی حیاتی است.

– اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل اثر

همه مسیرها مثبت و معنادارند و «شفافیت» قوی‌ترین پیش‌بین مشارکت است. برای شهر قم، این به معنای آن است که سیاست‌های «افزایش دسترسی عمومی به اطلاعات» و «گزارش‌دهی پیش‌رونده پروژه‌ها» بیشترین بازده مشارکتی را دارند. «پاسخ‌گویی» در مرتبه دوم قرار دارد؛ لذا نهادهای سازوکارهای پاسخ‌گویی (از سامانه‌های ثبت و پیگیری مطالبات تا گزارش عملکرد محله‌محور)

جدول ۱۶. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل اثر

مسیر	اثر مستقیم (بتا)	اثر غیرمستقیم	کل اثر
شفافیت ← مشارکت شهروندان	۰٫۳۴	۰٫۰۰	۰٫۳۴
پاسخ‌گویی ← مشارکت شهروندان	۰٫۲۸	۰٫۰۰	۰٫۲۸
عدالت فضایی ← مشارکت شهروندان	۰٫۲۴	۰٫۰۰	۰٫۲۴
کارآمدی ← مشارکت شهروندان	۰٫۱۹	۰٫۰۰	۰٫۱۹

بتا برابر با ۰/۲۴ نقش معناداری در تقویت انگیزه مشارکت شهروندان دارد و بر ضرورت توزیع عادلانه خدمات شهری میان محلات تأکید می‌کند. کارآمدی نیز با مقدار بتا برابر با ۰/۱۹ گرچه اثر کمتری نسبت به سایر ابعاد دارد، اما همچنان در پایداری اعتماد عمومی و تداوم مشارکت اهمیت دارد. چون اثرات غیرمستقیم صفر هستند، کل اثر دقیقاً برابر با اثر مستقیم است و اولویت‌بندی سیاستی روشن می‌شود: ابتدا شفافیت، سپس پاسخ‌گویی، عدالت فضایی و در نهایت کارآمدی.

در این مدل هیچ متغیر میانجی در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین تمامی اثرات بر مشارکت شهروندان مستقیم هستند و اثرات غیرمستقیم برابر با صفر گزارش می‌شود. در میان ابعاد حکمروایی، شفافیت با مقدار بتا برابر با ۰/۳۴ بیشترین تأثیر را دارد و نشان می‌دهد دسترسی آزاد و بهنگام به اطلاعات پروژه‌ها، بودجه‌ها و فرایند تصمیم‌گیری قوی‌ترین محرک مشارکت است. پس از آن، پاسخ‌گویی با مقدار بتا برابر با ۰/۲۸ قرار دارد و بیانگر اهمیت وجود سازوکارهای شفاف پاسخ‌گویی نهادی است. عدالت فضایی با مقدار

جدول ۱۷. شاخص‌های برازش کلی مدل (GoF) و معیارهای مکمل

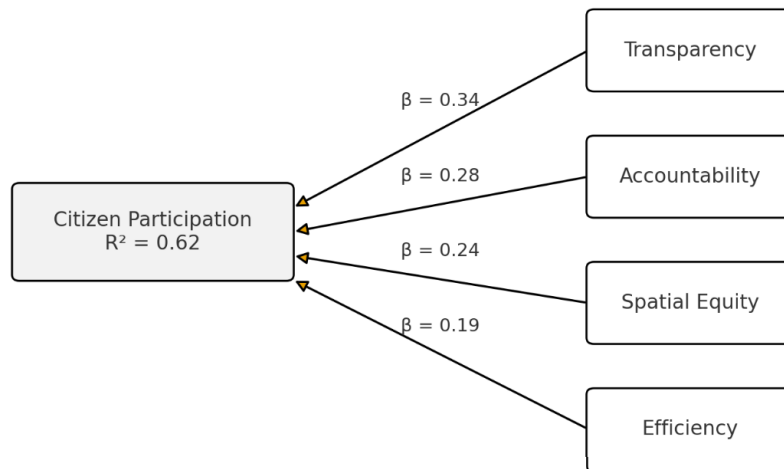
شاخص	مقدار به‌دست‌آمده	استاندارد پذیرفتنی	قضاوت
شاخص SRMR	۰٫۰۶	کمتر از ۰٫۰۸ → برازش مناسب	مناسب
شاخص NFI	۰٫۹۱	۰٫۹۰ و بالاتر → برازش مطلوب	مناسب
شاخص GoF	۰٫۵۸	بزرگ‌تر از ۰٫۳۶ → برازش قوی	قوی
ضریب تبیین R ² برای مشارکت	۰٫۶۲	۰٫۵ به بالا → قدرت تبیین بالا	میان به قوی
شاخص پیش‌بینی Q ²	۰٫۳۹	بزرگ‌تر از صفر → قدرت پیش‌بینی	دارای پیش‌بینی
دامنه VIF درون‌مدل	۱٫۵۶ تا ۱٫۸۹	کمتر از ۵ → عدم وجود هم‌خطی	بدون هم‌خطی

نسبتاً بالایی را از سوی ابعاد حکمروایی نشان می‌دهد. شاخص پیش‌بینی Q² با مقدار ۰/۳۹ مثبت و بزرگ است و نشان می‌دهد مدل توان پیش‌بینی دارد و صرفاً توصیفی نیست. دامنه شاخص‌های VIF بین ۱/۵۶ تا ۱/۸۹ قرار دارد و نبود هم‌خطی در مدل را تأیید می‌کند. در مجموع این شاخص‌ها بیان می‌کنند که مدل پژوهش از نظر برازش، تبیین و پیش‌بینی برای تحلیل مشارکت شهروندان در شهر قم قابل اعتماد و تصمیم‌یار است.

مقدار شاخص SRMR برابر با ۰/۰۶ بوده و بیانگر انحراف باقی‌مانده اندک و برازش مطلوب مدل است. شاخص NFI با مقدار ۰/۹۱ تأیید می‌کند که مدل پیشنهادی نسبت به مدل استقلال از برازش بهتری برخوردار است. شاخص کلی برازش GoF برابر با ۰/۵۸ بوده و در محدوده قوی قرار می‌گیرد که نشان می‌دهد مدل هم از نظر کیفیت اندازه‌گیری (میانگین واریانس استخراج‌شده) و هم از نظر قدرت تبیین روابط میان متغیرها در سطح بسیار مطلوب قرار دارد. ضریب تبیین R² مشارکت شهروندان برابر با ۰/۶۲ است که تبیین

PLS Structural Model for Qom

Fit Indices: SRMR = 0.06 | NFI = 0.91 | GoF = 0.58



Note: Path coefficients (β) and explained variance (R^2) are based on PLS-SEM results.

شکل ۷. مدل ساختاری PLS برای شهر قم خروجی نرم افزار SMARTPLS

*یادداشت: ضرایب مسیر (β) و مقدار واریانس تبیین شده (R^2) براساس نتایج مدل سازی معادلات ساختاری PLS گزارش شده است.

دومین عامل مهم ارتقای مشارکت است. این یافته با ادبیات حکمروایی تطبیق دارد که پاسخ‌گویی نهادی را عامل بازتولید اعتماد اجتماعی می‌داند.

عدالت فضایی با اثر ۰/۲۴ نقش قابل توجهی دارد و تأکید می‌کند که شهروندان مشارکت را زمانی ارزشمند می‌دانند که نتایج آن به توزیع منصفانه خدمات شهری بین محلات منجر شود. در بافت مذهبی قم که تفاوت‌های اقتصادی و فضایی میان محلات مرکزی و حاشیه‌ای محسوس است، سیاست‌های بودجه‌بندی مشارکتی و اولویت‌بندی پروژه‌ها با رأی مردم می‌تواند حس عدالت فضایی را تقویت و انگیزه مشارکت را افزایش دهد. در نهایت، کارآمدی با اثر ۰/۱۹ نشان می‌دهد سرعت و کیفیت اجرای پروژه‌ها هرچند اثر کمتری دارد، اما در تداوم مشارکت شهروندان و جلوگیری از سرخوردگی نقش مهمی ایفا می‌کند. تجربه پروژه‌های نیمه‌تمام یا تأخیرهای طولانی می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف و انگیزه مشارکت‌های بعدی را کاهش دهد.

نتایج روایی همگرا و واگرا AVE و HTMT نیز نشان می‌دهد سازه‌ها از یکدیگر متمایز هستند و هر یک بُعد مستقلی از حکمروایی را می‌سازند. این امر به سیاست‌گذاران شهری امکان می‌دهد تا اقدامات تفکیک‌شده اما هم‌افزا طراحی کنند؛ برای مثال ارتقای شفافیت از طریق ایجاد داشبوردهای آنلاین پروژه‌ها، هم‌زمان با طراحی منشور پاسخ‌گویی شهرداری و نقشه‌راه عدالت فضایی.

از منظر اندازه اثر (f^2)، شفافیت با مقدار ۰/۱۸ اثر متوسط داشته و سایر ابعاد اثر کوچک تا نزدیک به متوسط دارند. این یافته بیانگر اولویت‌بندی مداخلات است: سیاست‌گذار باید در گام نخست روی شفافیت تمرکز کند، زیرا اثر آن بر مشارکت پررنگ‌تر است. سپس پاسخ‌گویی و عدالت فضایی به‌عنوان تقویت‌کننده‌های اعتماد و انگیزه باید اجرا شوند و کارآمدی به‌عنوان عاملی برای حفظ مشارکت بلندمدت در نظر گرفته شود.

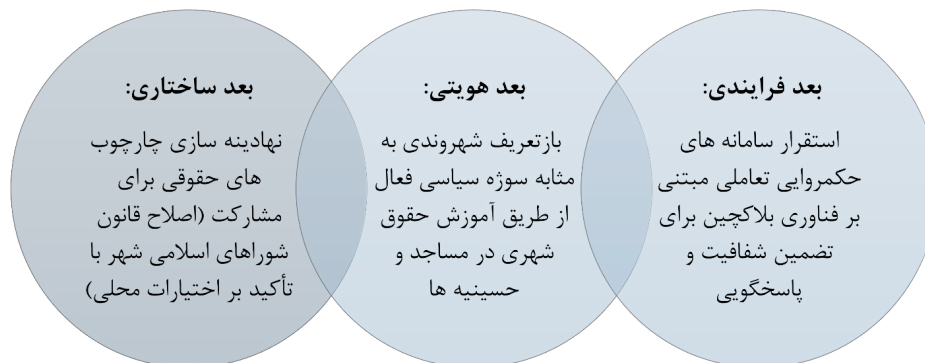
از منظر شهرسازی، ترکیب این یافته‌ها نشان می‌دهد مشارکت شهروندی در قم صرفاً تابع عوامل فرهنگی نیست، بلکه نیازمند

در نهایت یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حکمروایی شهری در شهر قم به‌مثابه بستری چندلایه و پویا، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی الگوهای مشارکت شهروندان ایفا می‌کند. در مرحله کیفی، تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با شهروندان، مدیران شهری و نخبگان محلی نشان داد سه دسته مانع عمده در مسیر مشارکت وجود دارد: موانع ساختاری (نابرابری قدرت و دسترسی)، موانع فرایندی (ضعف سازوکارهای مشورت و شفافیت)، و موانع فرهنگی - اجتماعی (کمبود اعتماد و فرهنگ مشارکت). این نتایج زمینه‌ای به‌طور مستقیم به طراحی پرسشنامه و انتخاب شاخص‌های سنجش در مرحله کمی منجر شد تا مدل مفهومی از اعتبار درونی و سازگاری با بستر قم برخوردار باشد.

نتایج کمی بر پایه تحلیل معادلات ساختاری PLS بیانگر آن است که چهار بعد حکمروایی یعنی شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت فضایی و کارآمدی توانسته‌اند حدود ۶۲ درصد از واریانس مشارکت شهروندان را تبیین کنند R^2 برابر ۰/۶۲ است. این مقدار نشان‌دهنده قدرت تبیین نسبتاً بالا و «مدل با برازش مناسب» است. همچنین، شاخص Q^2 برابر ۰/۳۹ حاکی از قدرت پیش‌بینی مدل است و تأیید می‌کند که روابط به‌دست‌آمده تنها توصیفی نیستند، بلکه توان تعمیم‌پذیری دارند. شاخص GoF نیز با مقدار ۰/۵۸ در محدوده قوی قرار دارد و برازش کلی مدل را معتبر می‌سازد.

مقایسه اثرات مستقیم ابعاد حکمروایی بر مشارکت شهروندان نشان داد شفافیت قوی‌ترین اثر را دارد (بتا برابر ۰/۳۴). این یافته از منظر حکمروایی شهری تأکید می‌کند که فراهم کردن دسترسی آزاد و منظم شهروندان به اطلاعات پروژه‌ها، بودجه‌ها، تصمیمات شورا و برنامه‌های توسعه می‌تواند بیشترین انگیزش را برای مشارکت معنادار ایجاد کند. شهروندان زمانی تمایل به مشارکت دارند که احساس کنند به‌موقع از تصمیمات مطلع می‌شوند و فرصت اثرگذاری واقعی بر فرایندها دارند. در گام بعد، پاسخ‌گویی با اثر ۰/۲۸ نشان می‌دهد وجود سازوکارهای رسمی برای پاسخ به مطالبات شهروندان، ثبت و پیگیری شکایات و ارائه گزارش عملکرد،

زیرساخت‌های نهادی و سازوکارهای حکمرانی شفاف و پاسخ‌گوست. وقتی این سازوکارها فراهم شود، حتی گروه‌های حاشیه‌ای نیز تمایل بیشتری برای ورود به فرایندهای مشارکتی نشان می‌دهند و



شکل ۸. مدل پارادایمی حکمروایی ارتباط گرا در راستای تحقق الگوی بهینه حکمروایی شهری در شهر قم

بدون مداخله در سطح ارزش‌ها و گفتمان‌های محلی دشوار است. این پژوهش با ترکیب رویکرد کیفی و کمی، تصویری جامع از نقش حکمروایی شهری در ارتقای مشارکت شهروندان در شهر قم ارائه داد. تحلیل‌ها نشان دادند مشارکت بهینه نتیجه تعامل هم‌زمان سه بُعد است: بُعد ساختاری (اصلاح چارچوب‌های قانونی و تقویت اختیارات شوراهای)، بُعد هویتی (آموزش و بازتعریف نقش شهروندان) و بُعد فرایندی (ایجاد سامانه‌های شفاف و پاسخ‌گو با اتکا بر فناوری‌های نوین). مدل ساختاری پژوهش با ضریب تبیین ۶۲ درصد و شاخص GOF قوی تأیید می‌کند که متغیرهای شناسایی شده توان بالایی در توضیح رفتار مشارکتی دارند. از منظر سیاستی، این یافته‌ها نشان می‌دهد بهبود مشارکت تنها با ابزارهای حقوقی یا اداری ممکن نیست، بلکه نیازمند هم‌افزایی ساختار، فرهنگ و فرآیندهاست. به بیان دیگر، تحقق الگوی بهینه مشارکت در قم مستلزم اصلاحات نهادی هم‌زمان با ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهره‌گیری از فناوری برای شفافیت است.

۶. محدودیت‌های پژوهش

این مطالعه اگرچه با رویکرد ترکیبی کیفی - کمی توانست تصویری نسبتاً جامع از حکمروایی شهری قم ارائه کند، اما چند محدودیت قابل ذکر است:

۱. محدودیت مکانی: تمرکز صرف بر شهر قم باعث می‌شود نتایج به‌طور کامل به سایر شهرهای ایران یا شهرهای مذهبی با ساختار فرهنگی متفاوت قابل تعمیم نباشد.
۲. محدودیت زمانی: گردآوری داده‌ها در یک بازه مشخص زمانی انجام شد و ممکن است تغییرات سیاسی - اجتماعی آتی بر پایداری نتایج اثر بگذارد.
۳. محدودیت پاسخ‌دهندگان: اگرچه تلاش شد تنوع حداکثری رعایت شود، اما برخی گروه‌های اجتماعی (به‌ویژه اقلیت‌های سنی یا مهاجران موقت) کمتر در مصاحبه‌ها حضور داشتند.
۴. محدودیت ابزار: طراحی پرسشنامه بر اساس یافته‌های کیفی اگرچه دقت بالایی دارد، اما همواره خطر سوگیری تفسیری پژوهشگر در مرحله استخراج کدها و گویه‌ها وجود دارد.

به طور کلی، تحلیل تلفیقی این پژوهش نشان می‌دهد تحقق مشارکت بهینه در قم در گرو رویکردی ترکیبی است: از یک‌سو باید موانع ساختاری و فرهنگی شناسایی شده در مرحله کیفی را برطرف کرد (از طریق آموزش عمومی، تقویت اعتماد و نهادسازی)، و از سوی دیگر باید ابعاد حکمروایی با اولویت شفافیت و پاسخ‌گویی ارتقا یابد. این هم‌افزایی میان اصلاحات نهادی و ظرفیت‌سازی اجتماعی می‌تواند مدل حکمروایی قم را به الگویی برای سایر شهرهای مذهبی کشور تبدیل کند. نتایج کمی قوی و معنادار مدل نیز پشتوانه علمی لازم برای تدوین برنامه‌های عملیاتی مانند بودجه‌بندی مشارکتی، ایجاد سامانه‌های گزارش‌دهی برخط، طراحی شاخص‌های عملکردی حکمروایی و پایش دوره‌ای مشارکت را فراهم می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش هم‌راستا با بدنه رو به رشد ادبیات حکمروایی مشارکتی شهری است و در عین حال، ویژگی‌های خاص شهر قم را برجسته می‌کند. نتایج کمی نشان داد شفافیت قوی‌ترین متغیر مؤثر بر مشارکت شهروندان است (بتا برابر ۰/۳۴)، که با یافته‌های Edelenbos & Van Meerkerk (۲۰۱۶) و Michels & De Graaf (۲۰۱۰) همخوان است؛ آن‌ها نیز تأکید کرده‌اند که دسترسی آزاد به داده‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت را به‌شدت تقویت می‌کند. اهمیت پاسخ‌گویی (بتا برابر ۰/۲۸) نیز با مطالعات Nabatchi & Amsler (۲۰۱۴) و Jäntti et al. (۲۰۲۳) مشابهت دارد که پاسخ‌گویی را حلقه اتصال اعتماد عمومی و اثربخشی سیاست‌ها معرفی کرده‌اند. عدالت فضایی و توزیع منصفانه منابع نیز در این مطالعه نقش معنادار داشته که با یافته‌های Ryan et al. (۲۰۲۳) و Castro et al. (۲۰۲۰) همسوست و بیانگر ضرورت بودجه‌بندی مشارکتی در محلات کم‌برخوردار است. با این حال، اهمیت ویژه بعد هویتی در قم که در بخش کیفی برجسته شد (بازتعریف مفهوم شهروندی در بستر مذهبی و آموزش حقوق شهری در مساجد و حسینیه‌ها) نکته‌ای است که در بسیاری از مطالعات بین‌المللی کمتر مورد توجه بوده و نوآوری این تحقیق محسوب می‌شود. این بُعد هویتی نشان می‌دهد در شهرهای مذهبی، تقویت فرهنگ مشارکت

۷. پیشنهاد‌های پژوهشی تحقیق

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های ذکرشده، مسیرهای زیر برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود:

۱. مطالعات تطبیقی: انجام پژوهش مشابه در شهرهای مذهبی دیگر مانند مشهد یا کربلا برای مقایسه الگوهای مشارکت و اعتبارسنجی مدل مفهومی.

۲. پیگیری طولی: اجرای مطالعات طولی برای بررسی پایداری اثر تغییرهایی مانند شفافیت و پاسخ‌گویی در گذر زمان.

۳. گسترش گروه‌های نمونه: تمرکز بر گروه‌های کمترنمایان مانند زنان خانه‌دار، جوانان حاشیه‌نشین و مهاجران به منظور شناسایی موانع پنهان مشارکت.

۴. تحلیل سیاستی عمیق‌تر: بررسی تأثیر قوانین و مقررات ملی (نظیر قوانین بودجه‌بندی مشارکتی یا شوراهای محله) بر حکمروایی شهری قم.

۵. پژوهش‌های فناوری‌محور: ارزیابی اثر ابزارهای نوین دیجیتال (نظیر بلاک‌چین یا پلتفرم‌های داده‌باز) بر اعتماد عمومی و کیفیت تصمیم‌گیری شهری.

این تفکیک محدودیت‌ها و پیشنهادها به سیاست‌گذاران و پژوهشگران کمک می‌کند تا ضمن درک مرزهای اعتبار نتایج، مسیرهای بهبود و توسعه آتی را دقیق‌تر دنبال کنند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول، ۴۰ درصد؛ نویسنده دوم، ۴۰ درصد؛ نویسنده سوم، ۷ درصد و نویسنده چهارم، ۱۳ درصد است.

تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این تحقیق، محققان را یاری کرده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم. این تحقیق منافع تجاری نداشته‌اند و در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده‌اند و مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- Black, G. F., & Sykes, P. (2022). Steps toward engagement integrity: Learning from participatory visual methods in marginalized South African communities. *Frontiers in Public Health*, 10, 794905. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.794905>.
- Boedeltje, M., & Cornips, J. (2004). *Input and output legitimacy in interactive governance* (No. NIG2-01). Netherlands Institute of Government. <https://research.utwente.nl/en/publications/input-and-output-legitimacy-in-interactive-governance>.
- Brown, T. A. (2015). *Confirmatory factor analysis for applied research* (2nd ed.). Guilford Press. <https://www.guilford.com/books/Confirmatory-Factor-Analysis-for-Applied-Research/Timothy-Brown/9781462515363>.
- Calzada, I., & Almirall, E. (2019). Barcelona's grassroots-led digital platform: Decidim. *Data & Policy*, 1, e9. <https://doi.org/10.1017/dap.2019.9>.
- Capra, C. F. (2016). The smart city and its citizens: Governance and citizen participation in Amsterdam Smart City. *International Journal of E-Planning Research*, 5(1), 20–38. <https://doi.org/10.4018/IJEPR.2016010102>.
- Chowdhury, M. S., & Aktaruzzaman, M. (2016). Citizen participation in urban local government: A case study of Kanaighat Paurashava in Bangladesh. *Commonwealth Journal of Local Governance*, 19, 119–134. <https://doi.org/10.5130/cjlg.v0i19.5475>.
- Cortés-Cediel, M. E., Cantador, I., & Bolívar, M. P. R. (2021). Analyzing citizen participation and engagement in European smart cities. *Social Science Computer Review*, 39(4), 592–626. <https://doi.org/10.1177/0894439319890394>.
- De, J., & Bandyopadhyay, S. (2020). Urban e-governance: A quest for a pro-citizen conceptual model. In *Urbanization and regional sustainability in South Asia: Socio-economic drivers, environmental pressures and policy responses* (pp. 297–309). Springer. <https://link.springer.com>.
- Dean, R. J. (2018). Counter-governance: Citizen participation beyond collaboration. *Politics and Governance*, 6(1), 180–188. <https://doi.org/10.17645/pag.v6i1.1210>.
- Díez-Calvo, S., Lidón, I., Rebollar, R., & Gil-Pérez, I. (2025). Problems of participatory processes in policymaking: A service design approach. *Journal of Services Marketing*. <https://www.emerald.com/insight/publication/issn/0887-6045>.
- Ebdon, C., & Franklin, A. L. (2006). Citizen participation in budgeting theory. *Public Administration Review*, 66(3), 437–447. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2006.00699.x>.
- Edelenbos, J. (2005). Institutional implications of interactive governance: Insights from Dutch practice. *Governance*, 18(1), 111–134. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0491.2004.00268.x>.
- Edelenbos, J., & van Meerkerk, I. (2016). Introduction: Three reflecting perspectives on interactive governance. In *Critical reflections on interactive governance* (pp. 1–28). Edward Elgar. <https://www.e-elgar.com>.
- Edelenbos, J., Klok, P. J., & van Tatenhove, J. (2009). The institutional embedding of interactive policy making: Insights from eight interactive projects in the Netherlands. *The American Review of Public Administration*, 39(2), 125–148. <https://doi.org/10.1177/0275074008320712>.
- Effendi, I. H., Lestari, A. A., Zuliansyah, A. S., & Linuwih, H. W. (2025). Governance networks for sustainable cities: Connecting theory and practice in Europe (Book review). Routledge (2024). <https://www.routledge.com>.
- Epstein, R. (2015). Urban and local governance: A state affair. The top-down dimension of horizontal coordination. *L'Année Sociologique*, 65(2), 457–482. <https://www.cairn.info/revue-annee-sociologique.htm>.
- Fairuziyah, I. N., Arkaan, G. A., Marfariza, H. A., Suhendar, M. I. P., & Khoirunnisa, S. (2024). Building public trust through e-govern-

Agherian, E., Nabatinejad, M., & Zackery, A. (2024). Development of a model for urban governance based on citizen participation. *Strategic Research on Social Problems*, 13(2), 47–68. <https://doi.org/10.22108/srsp.2024.139470.1951>.

Andersen, L. B., Danholt, P., Halskov, K., Hansen, N. B., & Lauritsen, P. (2015). Participation as a matter of concern in participatory design. *CoDesign*, 11(3-4), 250–261. <https://doi.org/10.1080/15710882.2015.1081246>.

Ayres, S. (2019). How can network leaders promote public value through soft metagovernance? *Public Administration*, 97(2), 279–295. <https://doi.org/10.1111/padm.12555>.

Beyene, E., Adam, A. G., & Minale, A. S. (2023). Examining the practice of urban governance using UN-Habitat urban governance index in Gondar city, North West Ethiopia. *Cogent Social Sciences*, 9(1), 2208934. <https://doi.org/10.1080/23311886.2023.2208934>.

- ance strategy: Case study in DKI Jakarta, Indonesia. *Social Impact Journal*, 3(2), 32–41. <https://journal.uui.ac.id/SocialImpact>.
- Faramarzi, M., & Zeynali Azim, A. (2019). Evaluation of Tabriz performance managerial city after the establishment of Tabriz Islamic Council. *Geography (Regional Planning)*, 8(33), 445–458. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1397.9.1.26.6> [In Persian]
- Fernández-Martínez, J. L., García-Espín, P., & Jiménez-Sánchez, M. (2020). Participatory frustration: The unintended cultural effect of local democratic innovations. *Administration & Society*, 52(5), 718–748. <https://doi.org/10.1177/0095399718810667>.
- Flinders, M., & Dommett, K. (2013). Gap analysis: Participatory democracy, public expectations and community assemblies in Sheffield. *Local Government Studies*, 39(4), 488–513. <https://doi.org/10.1080/03003930.2013.783566>.
- Fuseini, I. (2021). Navigating traditional and modern institutions in city governance: The role of chieftaincy in spatial planning in Tamale, Ghana. *African Studies*, 80(2), 230–248. <https://doi.org/10.1080/00020184.2021.1938842>.
- Garau, C., Desogus, G., Annunziata, A., Coni, M., Crobu, C., & Di Francesco, M. (2021, September). Smart governance models to optimise urban planning under uncertainty by decision trees. In *ICCSA 2021* (pp. 551–564). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86976-2_41.
- Gera, W. (2016). Public participation in environmental governance in the Philippines: The challenge of consolidation in engaging the state. *Land Use Policy*, 52, 501–510. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2014.12.007>.
- Golchini, S. (2019). Participatory patterns in urban planning and evaluation of the constituent factors in the realization of citizen participation with emphasis on communication activation. [Thesis/Working paper]. <https://www.researchgate.net> [In Persian]
- Grandin, J., Haarstad, H., Kjærås, K., & Bouzarovski, S. (2018). The politics of rapid urban transformation. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 31, 16–22. <https://doi.org/10.1016/j.coust.2017.12.002>.
- Hajdarowicz, I. (2022). Does participation empower? The example of women involved in participatory budgeting in Medellín. *Journal of Urban Affairs*, 44(1), 22–37. <https://doi.org/10.1080/07352166.2020.1830697>.
- Healey, P. (2006). Urban complexity and spatial strategies: Towards a relational planning for our times. Routledge. <https://www.routledge.com>.
- Healey, P. (2017). Re-enchanted democracy as a mode of governance. In *Connections* (pp. 61–78). Routledge. <https://www.routledge.com>.
- Heidarzadeh, E., Arasteh, M., & Rafiee, E. (2023). Explanation of good governance factors in Shiraz. *Journal of Urban Sustainable Development*, 4(10), 1–15. <https://doi.org/10.22034/usc.2023.2000134.1036> [In Persian]
- Jäntti, A., & Kurkela, K. (2021). How municipalities can enhance citizen participation? Exploring the views of participants and non-participants. *Scandinavian Journal of Public Administration*, 25(1), 23–42. <https://ojs.ub.gu.se/index.php/sjpa/article/view/5590>.
- Jäntti, A., Paananen, H., Kork, A. A., & Kurkela, K. (2023). Towards interactive governance: Embedding citizen participation in local government. *Administration & Society*, 55(8), 1529–1554. <https://doi.org/10.1177/00953997221123161>.
- Kamete, A. Y. (2009). Hanging out with trouble-causers: Planning and governance in urban Zimbabwe. *Planning Theory & Practice*, 10(1), 85–103. <https://doi.org/10.1080/14649350802661839>.
- Kim, S., & Lee, J. (2020). Open government and citizen participation: The case of Seoul's open data policy. *Government Information Quarterly*, 37(3), 101444. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2020.101444>.
- Kooiman, J. (1999). Social-political governance: Overview, reflections and design. *Public Management: An International Journal of Research and Theory*, 1(1), 67–92. <https://doi.org/10.1080/14719037.1999.975146>.
- Legard, S., & Hovik, S. (2022). The impact of digital participation on democratic urban governance. In S. Hovik, G. A. Giannoumis, & K. Reichborn-Kjennerud (Eds.), *Digitalization and public sector governance* (pp. 167–190). Universitetsforlaget. <https://press.nordicopenaccess.no>.
- Lemanski, C. (2017). Unequal citizenship in unequal cities: Participatory urban governance in contemporary South Africa. *International Development Planning Review*, 39(1), 15–35. <https://doi.org/10.3828/idpr.2017.2>.
- Li, Y., Zhu, Y., & Owen, C. (2023). Participatory budgeting and the party: Generating 'citizens' orderly participation' through party-building in Shanghai. *Journal of Chinese Governance*, 8(1), 56–82. <https://doi.org/10.1080/23812346.2022.2137947>.
- Maleki, S., Arvin, M., & Bazrafkan, S. (2019). The role of good urban governance in the realization of the resilient city (A case study of Ahwaz city). *Urban Planning Knowledge*, 2(4), 1–18. <https://doi.org/10.22124/upk.2019.12195.1162>. [In Persian]
- Michels, A., & Binnema, H. (2019). Assessing the impact of deliberative democratic initiatives at the local level: A framework for analysis. *Administration & Society*, 51(5), 749–769. <https://doi.org/10.1177/0095399718800317>.
- Michels, A., & De Graaf, L. (2010). Examining citizen participation: Local participatory policy making and democracy. *Local Government Studies*, 36(4), 477–491. <https://doi.org/10.1080/03003930.2010.494101>.
- Momeni, M., Shamskooshki, H., & Javadian, M. (2011). Application of neighborhoods council associations in sustainable urban management based on citizen participation. *Procedia Engineering*, 21, 65–71. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2011.11.1995>.
- Pierre, J. (2011). The challenge of urban governance. In J. Pierre (Ed.), *The politics of urban governance* (pp. 10–28). Palgrave Macmillan. <https://link.springer.com/book/10.1057/9780230308041>.
- Pilehvar, A. A. (2021). Feasibility study and modeling of the concept of participatory urban management. *International Journal of Human Capital in Urban Management*, 6(1), 65–78. <https://doi.org/10.22034/IJHCUM.2021.01.06>.
- Ribeiro-Duthie, A. C., Gale, F., & Murphy-Gregory, H. (2021). Fair trade governance: Revisiting a framework to analyse challenges and opportunities for sustainable development towards a green economy. *Discover Sustainability*, 2(1), 58. <https://doi.org/10.1007/s43621-021-00057-9>.
- Ryan, M., Giesbers, E., Heffernan, R., Stock, A., Droy, S., Blanchet, T., ... Warsø, Z. (2023). Developing normative criteria for meaningful citizen participation and deliberation in environmental policy. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 1–38. <https://doi.org/10.1080/13511610.2023.2225336>.
- Shakibamanesh, A., Ghorbanian, M., Izadi, S., Riahi, A., & Zeifodini, P. (2025). Utilizing virtual reality in the participatory urban policy-making process: A step toward facilitating effective citizen engagement. *International Journal of Human Capital in Urban Management*, 10(2). <https://ijhucm.net>.
- Singh, S. (2013). Citizens' participation in urban governance: Quest for transparency and accountability. *Environment and Urbanization ASIA*, 4(1), 191–202. <https://doi.org/10.1177/0975425313477761>.
- Smelser, N. J., & Baltes, P. B. (Eds.). (2001). International encyclopedia of the social & behavioral sciences. Elsevier. <https://www.sciencedirect.com/referencework/9780080430768>.
- Sørensen, A. S. (2016). Participation—The new cultural policy and

- communication agenda. *Nordisk Kulturpolitisk Tidsskrift*, 19(1), 4–18. <https://ojs.uib.no/index.php/nkt>.
- Statistical Center of Iran. (2022). Statistical Yearbook 1401. Retrieved from <https://amar.org.ir/news/ID/15232/yearbook1401>
- Steijn, B., Klijn, E. H., & Edelenbos, J. (2011). Public–private partnerships: Added value by organizational form or management? *Public Administration*, 89(4), 1235–1252. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9299.2010.01864.x>.
- Tasan-Kok, T. (2021). New relational understandings of city building: Reading the city through dynamic landscapes of spatial governance. *Transactions of the Association of European Schools of Planning*, 1–8. <https://doi.org/10.24306/TrAESOP.2021.01.002>.
- Thoyyib, V. M., Islam, K. B., & Guha, A. (2024). Exploring sustainable urban governance: Evolving dynamics, transitions, and ambiguities. *Journal of Urban Affairs*, 1–23. <https://doi.org/10.1080/07352166.2024.2300709>.
- Thonkiss, F. (2020). City government and urban inequalities. *City*, 24(1–2), 286–301. <https://doi.org/10.1080/13604813.2020.1739903>.
- Tonne, C., Adair, L., Adlakha, D., Anguelovski, I., Belesova, K., Berger, M., ... Adli, M. (2021). Defining pathways to healthy sustainable urban development. *Environment International*, 146, 106236. <https://doi.org/10.1016/j.envint.2020.106236>.
- Treija, S., Bratuškins, U., & Koroļova, A. (2022). University–community engagement: Formation of new collaboration patterns in participatory budgeting process. *RTU Scientific Journal*, 18(1), 156–165. <https://doi.org/10.7250/RTU.ZPBP.2022.18.07>.
- Van de Velde, D., Coussens, M., De Baets, S., Sabbe, L., Vanderstraeten, G., Vlerick, P., ... De Vriendt, P. (2018). Application of participation in clinical practice: Key issues. *Journal of Rehabilitation Medicine*, 50(8), 679–685. <https://doi.org/10.2340/16501977-2352>.
- Vargas-Hernández, J. G. (2023). A normative approach to liberal, deliberative, and participative democracy to develop the politics of life domains of institutional participative governance. In *Societal transformations and resilience in times of crisis* (pp. 192–215). IGI Global. <https://www.igi-global.com>.
- Vargas-Hernández, J. G., & Vargas-González, M. O. C. (2023). Green economy, sociopolitical and environmental implications of institutional participatory governance. In *Public policies and sustainable development in post-reform India* (pp. 21–39). Springer. <https://link.springer.com>.
- Wampler, B. (2012). Participatory budgeting: Core principles and key impacts. *Journal of Public Deliberation*, 8(2), Article 12. <https://doi.org/10.16997/jdd.141>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی